

ادامه مسأله 570: «و لا ینبغی الإشکال فی أنّ الأمر متعدّد حیثیّ و إن قیل: إنّّه لا یتعدّد و إنّما المتعدّد جهاته و إنّما الإشکال فی أنّه هل یكون المأمور به متعدّداً أيضاً و أنّ کفایة الموضوع الواحد من باب التداخل أو لا بل یتعدّد؟ ذهب بعض العلماء إلى الأوّل و قال: إنّّه حیثیّ یتعدّد یتعدّد علیّه أن یعیّن أحدها و إلّا بطل لأنّ التعیین شرط عند تعدّد المأمور به»¹.

بحث در مسأله 570 بود. عرض شد که در این مسأله سه فرض قابل تصویر است؛ فرض اول این است که متوضی هر یک از غایات را به عنوان داعی مستقل در نظر بگیرد، به این معنا که هر کدام از غایات به تنهایی موجب شود که مکلف به خاطر آن غایت وضو بگیرد بنابراین، در این فرض که هر کدام از غایات می توانند به عنوان داعی مستقل فرض شوند، اجتماع غایات متعدد اشکال ندارد و شخص می تواند غایات متعدد را نیت کند و علاوه بر اینکه چنین نیتی صحیح است و وضوی او نسبت به همه غایات صحیح است و می تواند همه آن غایات را با آن وضو انجام بدهد، امثال جمیع نیز محسوب می شود؛ فرض دوم این است که هر کدام از غایات به تنهایی داعی مستقل محسوب نمی شود، بلکه فقط یکی از غایات به عنوان داعی مستقل فرض شده است و بقیه غایات جنبه تبعی دارند که در این صورت وضو نسبت به همه غایات صحیح است، لکن فقط نسبت به غایتی که به عنوان داعی مستقل فرض شده است، امثال محسوب می شود و نسبت به بقیه دواعی امثال محسوب نمی شود و دلیل حکم به صحت وضو نسبت به سایر غایات این است که آنچه مجوز انجام غایات می شود، طهارت است و طهارت با وضویی که شخص انجام داده است، حاصل شده است لذا وضو صحیح است و طهارت حاصل شده است و شخص می تواند بقیه غایات را با آن وضو انجام بدهد، لکن امثال امر نسبت به همان غایتی که شخص آن را نیت کرده است، محسوب می شود و نسبت به سایر غایات امثالی صورت نگرفته است و فرض سوم این است که شخص همه غایات را به صورت یک جا نیت کند و یک وضو برای همه آن غایات بگیرد که آن وضوی واحد کفایت می کند و نسبت به همه آن غایات امثال امر محسوب می شود.

مرحوم سید (ره) در ادامه مسأله 570 در رابطه با فرضی که مکلف یک غایت را قصد کرده است و بقیه غایات جنبه تبعی دارند [و فقط نسبت به آنچه قصد کرده است، امثال محسوب می شود]، نوشته است که در این فرض اشکالی در تعدد امر به وضو نیست، بنابراین، در این فرض امر متعدد است، هر چند که گفته شده است که در این صورت، امر متعدد نیست، بلکه آنچه متعدد است جهات امر است. همانا اشکال در این است که آیا مأمور به نیز متعدد است و کفایت وضوی واحد از باب تداخل است یا اینکه وضو نیز باید متعدد شود؟ بعضی از علماء صورت اول را پذیرفته اند و گفته اند که همان طور که امر متعدد است مأمور به نیز متعدد است...

1. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج 1، ص 242.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که در این رابطه یک بحث مبنایی مطرح می‌شود که در ضمن آن بحث معلوم می‌شود که امر متعدد است یا متعدد نیست، همچنین معلوم می‌شود که مأمور به متعدد است یا متعدد نیست و آن بحث مبنایی این است که آنچه عنوان مقدمیت دارد که در بحث مورد نظر، وضو است، به امر غیري مقدمی متصف نمی‌شود، یعنی به وجوب و استحباب متصف نمی‌شود و وجوب و استحباب از ذی‌المقدمه به مقدمه سرایت نمی‌کنند، بلکه مقدمه وجوب عقلی دارد، یعنی عقل می‌گوید که اگر چیزی بر شما لازم شد و آن چیز نیاز به مقدمه داشته باشد، عقل می‌گوید که انجام آن مقدمه لازم است؛ اعم از آنکه آن شیء واجب باشد یا مستحب باشد، یعنی در رابطه با مقدمه مستحب نیز اگر امر مستحب مترتب بر مقدمه‌ای باشد، عقل می‌گوید که آن مقدمه باید انجام شود و این گونه نیست که وجوب یا استحباب از ذی‌المقدمه به مقدمه ترشح کند و گفته شود که مثلاً چون نماز واجب است، پس وضو نیز شرعاً از باب اینکه مقدمه نماز است واجب است و وجوب از ذی‌المقدمه که نماز است به مقدمه که وضو است سرایت می‌کند یا اینکه گفته شود که چون ذی‌المقدمه مستحب است پس مقدمه نیز مستحب است و استحباب شرعی دارد که آن استحباب از ذی‌المقدمه به مقدمه سرایت می‌کند. بنابراین، وجوب مقدمه شرعی نیست، بلکه عقلی است و عقل می‌گوید که اگر انجام ذی‌المقدمه متوقف بر انجام مقدمه باشد، انجام آن مقدمه لازم است چه مستحب باشد و چه واجب باشد لذا جایی برای این بحث باقی نمی‌ماند که گفته شود که چیزی به نام امر غیري وجود دارد چون امر غیري مترتب بر این است که وجوب یا استحباب از ذی‌المقدمه به مقدمه سرایت کند، در حالی که در این مورد وجوب یا استحباب از ذی‌المقدمه به مقدمه سرایت نمی‌کند، بلکه لزوم انجام مقدمه به حکم عقل است بنابراین، نزاع مذکور، مبتنی بر این است که آیا مقدمه متصف به امر غیري برگرفته از ذی‌المقدمه است یا نیست؟

مرحوم آیت الله خویی (ره) در ادامه فرموده است که اگر مسلک مرحوم آخوند (ره) پذیرفته شود که امر غیري متعلق به ذات مقدمه است، یعنی مثلاً در باب وضو، امر غیري متعلق به ذات مقدمه یعنی غَسَلَتین و مَسَحَتین باشد و متعلق به غَسَلَتین و مَسَحَتین با قید مقدمیت یا با قید ایصال به ذی‌المقدمه نباشد و دلیل بر این مطلب نیز این باشد که اساساً مقدمیت حیثیت تقییدی ندارد، بلکه مقدمیت حیثیت تعلیلی دارد، در این صورت امر واحد خواهد بود و [بر خلاف نظر مرحوم سید (ره)] متعدد نخواهد بود چون طبیعی و ذات وضو یک چیز بیشتر نیست و معقول نیست که این طبیعت واحده چند چیز شود زیرا اجتماع مثلین لازم خواهد آمده و اگر آن امر متعدد بیش از دو امر باشد اجتماع امثال لازم خواهد آمد و اجتماع مثلین و امثال محال است، پس وضو یک طبیعت واحده بیشتر نیست و این طبیعت، امر واحد است و مولی وقتی امر به وضو می‌کند یک امر بیشتر نیست، لکن با این وضوی واحد می‌توان غایات متعدده را انجام داد. پس امر به وضو یکی بیشتر نیست و این گونه نیست که امر به وضو متعدد باشد و نسبت به هر یک از غایاتی که بر وضو مترتب می‌شود یک امر به وضو باشد.

اما بنا بر التزام به اینکه مقدمه، امر غیري است و اینکه متعلق امر غیري، طبیعی مقدمه نیست، یعنی ذات مقدمه متعلق امر غیري نیست، بلکه گفته شود که حصه‌ای از طبیعی مقدمه است، یعنی جزئی از علت ذی‌المقدمه است، یعنی گفته شود که امر به وضو به غَسَلَتین و مَسَحَتین به عنوان ذات مقدمه نخورده است، بلکه امر به غَسَلَتین و مَسَحَتین با قید مقدمیت یا با قید ایصال به ذی‌المقدمه تعلق گرفته است [کما اینکه صاحب فصول (ره) قائل شده است]، در این صورت چاره‌ای جز التزام به تعدد امر نیست و چون غایات متعدده، امر نیز متعدد می‌شود، یعنی یک امر به وضو نسبت به نماز واجب، یک امر به وضو نسبت به نماز قضا، یک امر

به وضو نسبت به قرائت قرآن و همین‌طور برای هر غایتی یک امر به وضو وجود دارد بنابراین، به تعداد ذی‌المقدمه امر نیز وجود دارد، پس هم امر متعدد است و هم مأموریه متعدد است.

و لذا کلام مرحوم سید (ره) جای تعجب دارد که در عین حال که ایشان قائل به امر غیری و تعدد امر است، لکن معتقد است که مأموریه متعدد نیست زیرا بین امر و مأموریه ملازمه است و امکان‌پذیر نیست که امر و مقدمه متعدد باشد ولی مأموریه و ذی‌المقدمه متعدد نباشد. بنابراین، اگر مبنا این شد که امر به ذات نخورد، بلکه به غسلتین و مسحین با قید مقدمیت بخورد، امر و مأموریه متعدد خواهد بود.

مرحوم آیت الله خویی (ره) در ادامه فرموده است که تعدد و وحدت مأموریه مبتنی بر اختصاص امر غیری به مقدمه موصله دارد، یعنی هر جا مقدمه موصله باشد، مأموریه متعدد خواهد بود، مثل وضوی موصله به فریضه یومیه، وضوی موصله به نذر، وضوی موصله به قرائت قرآن، وضوی موصله به مشاهد مشرفه و امثال آن که در این موارد امر و مأموریه متعدد است.

«الحمد لله رب العالمین»